

رقصنده با گرگ ها !

موج واکنش ها بعد از انتشار «مستند بی راهه» در کنار بولد شدن رقاصی دخترکی ۱۷ ساله و ابراز هم دلی مشتی «زائده» با آن «مائده» مصداق آن است که: بیشتر از مائده مهمان دیدیم – رمه آنقدر ندیدیم که چوپان دیدیم!

ماجرای مائده قبل از هر چیز موید بد فهمی مسئولین مربوطه از پدیده مذکوره داشت.

قدر مسلم آن است که افرادی مانند آن دختر خانم نوباوه قبل از آنکه مستحق نشستن بر کرسی شماتت باشند بایسته مداوا و طبابت اند. مائده ها را گزمه و مفتش و داروغه به کار نمی آید و از ابتدا مسئولین انتظامی ورودی ناصواب و نالازم به این پروژه داشته اند. مائده ها را می بایست در قامت یک روان نژند با روان درمانان، روان پژوهی و آسیب شناسی کرد.

بنا به اعتراف جمیع افرادی نظیر مائده، رفتار ایشان قبل از آنکه بازتاب انسدادهای حکومتی باشد محصول زندگی مشارالیها در یک فضای بسته و ایزوله و پادگانی در جوار خانواده های بشدت سرکوبگرشان است.

نگاه کنید به اعترافات صادقانه «هدی جراح» با تلویزیون فارسی بی بی سی که هر چند مجری برنامه با زیرکی و شیطننت می کوشید «هدی» را مدیریت کند تا ایشان را مقرر بیاورد که جمهوری اسلامی را در مقام مقصر بنشانند اما آن علیا مخدره صادقانه اذعان داشت که قبل از هر چیز زیر فشار رفتار های بسته و انسدادی خانواده اش به مرز کلافگی و عصیان رسیده.

(مصاحبه هدی جراح با بی بی سی را در لینک ببینید — <https://bbc.in/2mckMhD>)

مائده و امثال مائده نیز بنا به اعتراف خودشان فرزندان طلاق اند که در نبود سایه پدر و مادری شایسته و ابتلای ناخواسته شان به کمبودهای عاطفی بصورت طبیعی بسمت رفتار نامتعارف و توجه طلبانه دلالت می شوند.

کوتاهی مسئولین آن است که اساسا مائده را نفهمیده اند و صورت ماجرا را غلط تعریف کرده اند.

چیزی که مائده به اتهام ان متهم شده اساسا غلط تعریف شده. ویدئوهای منتسب به این رقاصه نوباوه بهترین دلالت از بد فهمی موضوع است.

مائده در ویدئوهای موجود هر کاری که می کند «رقص» نیست! و تنها

در حال تشبث به مشتی رفتار و اطوار اروتیک است با این توهم که «می رقصد» و در ناخود آگاهش بابت این اقبال سکشوال به وجد و بهجت روحی می رسیده تا همه خلاء های عاطفی انباشته از سال های محروم مانده اش از بی توجهی در نبود پدر و مادر را اینک با اقبال و توجه طلبی در اینستا و از طریق آن حرکات اروتیک تشریف دهد.

اساسا ایرانیان به اعتبار جایگاه نجیبانه و محبوبانه زن در فرهنگ ایرانی چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، فاقد چیزی بنام «رقص زن» بوده اند و ترجیح زنان ایرانی حفظ حجب و حیاء شان در حضورهای اجتماعی بوده.

حجب و وقار و متانت زن ایران تا آنجا بود که همسر خشایارشا در قامت ملکه وقتی نخواست تن به بولهوسی پادشاه دهد و از حضوری تنانه و رامشگرانه و بی حجاب در دربار استنکاف ورزید محکوم به عزلت شد و «استر» دختر یهودی و مکار در کمین نشسته جای وی را با فریبندگی گرفت.

زن در سنت ایرانی و بلکه در سنت خاورمیانه بویژه بعد از اسلام شانی اجل از رقاصی داشت. در هیچ کدام از جاری های به جا مانده در تخت جمشید نیز اثری از شمایل یا تمثال زن و ایضا رقص زن دیده نمی شود. حتی چیزی بنام رقص عربی هم اساساً در منطقه وجود نداشته و آنچه که به غلط به این نام معروف شده رقصی است مصری که بازمانده از دوران فراعنه باستان و عیاشی های مرسوم در کاخ های اشرافی ایشان است. در ایران هم اگر رقصی بود، رقص های مردانه ای بود از قبیل «رقص شکرانه محصول» یا «رقص رزمی» مانند رقص چوب خراسانی ها یا رقص لزگی آذری ها یا رقص دایره کردها یا دمام زنی توام با سینه زنی بندری ها.

تنها از اواخر دوران قاجار که سنت های غربی راه به ایران باز کرد شاهد مناسبت های زنانه با چاشنی فسق و فجور در دربار قاجار شدیم (مانند مراسم رقص زنانه مورچه داره) روندی که در دوران پهلوی اوج گرفت و بخصوص در فردای کودتای ۲۸ مرداد و احساس دین دربار به لمپنیزم «شعبان بی مخی» لات بازی و جاهل گری در ایران قدر دید و در صدر نشست و از آن به بعد بود که لات بازی عرصه سینمای ایران را زیر سلطه خود گرفت و با تاسی از این روند «رقص جاهلی» یا همان «بابا کرم» نیز جایی در خرده فرهنگ لات های ایران باز کرد اما آن هم رقصی مردانه بود که به مرور زنائی منسوب به خرده فرهنگ دربار آن را نیز بنفع خود مصادره و در جامعه اشاعه دادند. (*)

علی ایحال مائده ها را ملامت نکنید. طبابت کنید.

ایشان قبل از آن که مستحق نشستن بر کرسی اتهام باشند مستمند خوابیدن بر بستر درمان اند!

* — نگاه کنید به مقاله آقایون دست - خانوما رقص:

<https://bit.ly/2NFXJYJ>

داریوش سجادی